

یکشنبه 16 آذر 1399-20 ربيع الثاني، 1442-6 دسامبر 2020

کشتار دانشجویان معترض به حضور آمریکائیان در دانشگاه تهران (1332ش)



کشتار دانشجویان معترض به حضور آمریکائیان در دانشگاه تهران (1332ش)، بعد از کودتای 28 مرداد 1332، رژیم شاه که توانسته بود با کمک آریابان بر اریکه قدرت بازگردد، درصدد برآمد تا پایه‌های حکومت خود را تثبیت کند، اما غافل از این که مردم در اولین فرصت، خشم و انزجار خویش را نشان خواهند داد. سه ماه و نیم بعد، نیکسون، معاون رییس جمهور آمریکا، راهی ایران گردید تا نتیجه سرمایه گذاری 21 میلیون دلاری سازمان جاسوسی سیا را که در راه کودتا و سرنگونی دولت مصدق هزینه کرده بود، از نزدیک مشاهده کند. در اعتراض به این سفر، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتا برپا کردند که این اعتراضات در روز پانزدهم آذر، به خارج از دانشگاه کشیده شد. صبح روز 16 آذر 1332، گارد شاهنشاهی برای اولین بار وارد صحن دانشگاه شد تا فریاد مخالفان را در گلو خفه کند. به دنبال آن، تعدادی از مأموران نیروی ویژه گارد شاهنشاهی رژیم پهلوی، سه نفر از دانشجویان معترض به نام‌های: مصطفی بزرگ‌رلم، نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی را به شهادت رساندند. رژیم، در روز بعد بدون توجه به این جنایت خود، دکترای افتخاری حقوق را در این دانشگاه به نیکسون اعطا کرد. از آن تاریخ، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این روز به عنوان روز دانشجو نام گرفته است.

از مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی، اعتراض دانشجویان در 16 آذر 1332 به ورود معاون رییس جمهور آمریکا بود و نقطه اوج آن را می‌توان در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در 13 آبان 1358 مشاهده کرد. جنبش دانشجویی را می‌توان در سه مرحله چنین تبیین کرد. در مرحله اول، جنبش دانشجویی با جریان روشنفکری پیوند خورده و از این منبع برخاسته و به آن وابسته است. هرچند، حرکت دانشجویی در عین حال، به دلیل اقتضائات جوانی، دارای روحی پاک و به دور از خدعه‌ها و فریب‌های سیاسی‌رلم، کاران بود. در مرحله دوم و با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال 1356 و 57، جنبش روشنفکری و دانشجویی که خود را پیش‌تاز جنبش سیاسی می‌رلم، پنداشت، ناگهان خود را عقب مانده یافت. حرکت عظیم مردم در اعتراض علیه رژیم، خرده احزاب و گروه‌های سیاسی و نیز جریان روشنفکری و جنبش دانشجویی را به تعجب واداشت و آنان را به اعلان موضع فراخواند. در این شرایط و احوال، جریان روشنفکری، عمدتاً کلاف سردرگمی بود که چندان به عمق، گستره و ماندگاری قیام باور نداشت و به گونه‌های مختلف سعی می‌کرد که آن را حرکتی کور تعبیر کند. در مرحله سوم، اهمیت و حرمت حرکت سیاسی دانشجویی در آن بود که خود را از بند روشنفکری گسست و از همراهی با مردم، احساس شرم و آزر نکرد و پایه‌های مردم پیش آمد و برای خود افتخاری عظیم در تاریخ سیاسی ایران کسب کرد.

آیت‌الله سید صدرالدین صدر عاملی فرزند سید اسماعیل در سال 1299 ق در خانواده‌ای اصیل و مشهور به فضل، ادب و تقوا در کاظمین به دنیا آمد. ایشان بعد از عزیمت به کربلا، دروس سطح را در خدمت اساتیدی همچون شیخ حسن کربلایی فرا گرفت. آیت‌الله صدر در سال 1328 ق راهی نجف اشرف گردید و از محضر آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و میرزا حسین نایینی بهره‌مند شد. در سال 1339 به ایران سفر نمود و حدود شش سال در مجاورت حرم مطهر حضرت رضا (ع) به تدریس و ارشاد پرداخت. ایشان بعد از يك سفر به عراق دوباره به مشهد برگشته و به تدریس و اقامه‌ی نماز در مسجد گوهرشاد پرداخت. آیت‌الله صدر با پیشنهاد آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمی‌ی قم، به شهر قم آمده و پس از فوت حاج شیخ، به یاری آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، سرپرستی حوزه را به عهده گرفته و به حفظ و توسعه‌ی آن پرداختند. اصول دین، حاشیه بر کفایة الاصول و خلاصة القصول از جمله تألیفات این مرجع بزرگ دینی است. آیت‌الله سید صدرالدین صدر، پدر بزرگوار امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان می‌باشد. سرانجام این عالم ربانی در 74 سالگی بدرو حیات گفت و در مسجد

بالاسر روضه‌ی منوره‌ی حضرت معصومه (س) در کنار آیت‌الله حائری یزدی، به خاک سپرده شد. آغاز لشکرکشی "محمدشاه قاجار" به هرات در افغانستان (1253 ق)، چون در زمان فتحعلی شاه هرات نیمه گاره رها شده بود و محمدشاه نیز می‌خواست در فتوحات نظامی شهرتی به دست آورد، لذا چون توان رویارویی با روس‌ها در بازپس‌گیری ولایات از دست رفته‌ی قفقاز را در خود نمی‌دید، قصد تصرف هرات را در سر می‌پروراند. از این رو در ربيع الثاني 1253 ق به هرات لشکرکشی کرد و آن جا را به محاصره‌ی خود درآورد. این محاصره با حمایت روس‌ها صورت گرفت و انگلیس که مستعمره‌ی بزرگ خود یعنی هند را در خطر می‌دید، دست به تهدید محمدشاه از طریق نظامی زد. تهدیدات پیاپی انگلستان و نیز طولانی شدن زمان محاصره‌ی هرات، توان ادامه‌ی این کار را از اردوی محمد شاه گرفت. سرانجام محمدشاه با سرشکستگی و بدون هیچ نتیجه‌ی در 18 جمادی الثاني 1254 ق به تهران بازگشت و این عمل موجب سلب حیثیت ایران گردید.

آغاز حمله بزرگ ارتش، شو، وی برای نجات مسکه از محاصره قه‌ای آلمان (1941م) با یورش سهم‌گین ارتش آلمان نازی به شوروی در 22 ژوئن 1941م، نیروهای آلمان تا نزدیک مسکو پایتخت شوروی به پیش رفتند، اما با فرا رسیدن زمستان سخت شوروی، عملیات تهاجمی نیروهای آلمان نیز متوقف شد. در دسامبر همان سال حملات متقابل ارتش سرخ شوروی در جبهه جنوب آغاز شد که در نتیجه آن برخی از نیروهای آلمان عقب‌نشینی کردند. در همین زمان بود که آمریکا با ارسال تجهیزات نظامی به شوروی، کمک فراوانی به سربازان روس در مقابله با آلمان نمود و پیروزی‌های شوروی را سرعت بخشید. عقب‌نشینی آلمان از شوروی، نخستین شکست آلمان در جنگ جهانی دوم بود که راه را برای شکست‌های بعدی نیز هموار ساخت.

تخریب مسجد بادی هند توسط هندوهای افراطی اید، کشه، (1992م) مسجد بابری هند در سال 1528م به فرمان ظهیر الدین محمد بابر، مؤسس سلسله تیموریان در شبه قاره هند بر روی تپه‌ای در شهر فیض آباد ساخته شد و از آن پس به مسجد بابری شهرت یافت. پس از گذشت سه قرن، در سال 1855م یک مقام انگلیسی به نام اچ. آر. نویل هنگام ثبت اسناد ناحیه‌ای که مسجد بابری در آن واقع بود، عمداً و به غلط در دفتر ثبت نوشت که مسجد بابری بر ویرانه‌های یک بت‌کده هندوها به نام معبد رام ساخته شده است. همین مسئله منشأ فتنه‌ها و اختلافات بسیار بین مسلمانان و هندوها در شبه قاره هند گردید. پس از جدایی پاکستان از هند، در سراسر هند، تبلیغات گسترده‌ای بر ضد مسلمانان آغاز شد و عده‌ای از هندوهای افراطی با نصب بُت رام در مقام محراب مسجد، در واقع به ساخت مقدس مسجد تجاوز کردند. از این رو دادستان منطقه در سال 1950م دستور تعطیلی مسجد را صادر نمود و مسجد بابری به مدت 35 سال به تعطیلی کشیده شد تا اینکه در سال 1985م در اختیار هندوها قرار گرفت. در سال 1987م، به منظور وحدت مسلمانان برای باز پس گرفتن مسجد، کمیته‌ای در مرکب از سران شیعه و سنی تشکیل شد و این کمیته در اولین سال‌گرد اشغال مسجد اعتصاب سراسری و راهپیمایی معترضان مسلمانان را به این عمل غیر اصولی سازمان داد. پس از چندی با برانگیخته شدن احساسات هندوان نسبت به این مسئله، درگیری‌های خونین جدیدی میان هندوان و مسلمانان روی داد و هندوها اعلام کردند که به هیچ قیمت از ادامه عملیات ساخت معبد رام دست برندارند داشت. در تابستان 1992م، دولت ایالتی با تصرف کلیه زمین‌های وقفی اطراف مسجد، به ساختن دیواری پیرامون آن اقدام کرد و دولت هند نیز برای بررسی بحران مسجد بابری، اجلاس همبستگی ملی را تشکیل داد. اما در ششم دسامبر 1992م هندوهای افراطی بدون حضور محسوس نیروهای انتظامی، مسجد را ویران کردند. این حادثه موجب درگیری‌های خونین بین مسلمانان و هندوها شد که در طی آن، شمار بسیاری از مسلمانان جان خود را از دست دادند. هر چند این امر خشم و انزجار مسلمانان را برانگیخت، از آن زمان تا کنون، ادعاهای هندوها درباره مکان مسجد بابری برای ساخت بت‌کده و مخالفت مسلمانان با این موضوع، یکی از عوامل درگیری مسلمانان و هندوها و یکی از مشکلات سیاست‌مداران هند بوده است. پس از واقعه تخریب مسجد بابری، محور قومی‌گرایی هندویی از هم فرو پاشید و مسئله احداث معبد رام در محل مسجد تخریب شده به عنوان موضوعی بحث‌انگیز و حل‌ناشدنی همچنان ادامه دارد. اما بر هویت مذهبی مسلمانان هند، از شمال تا جنوب تأثیر مستقیمی نهاد و انگیزه‌ای برای بیداری آن‌ها شد تا اختلافات فرهنگی، زبانی و منطقه‌ای خود را کنار بگذارند. لازم به ذکر است که یک سال پس از تخریب مسجد بابری، دادگاه عالی هند با درخواست هندوها مبنی بر ایجاد معبد در کنار زمین مسجد، مخالفت کرد.